

یست چیست؟

نوشته: علی اکبر جعفری

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

سومین گنگره تحقیقات ایرانی (جلد دوم)

به کوشش محمد روشن

شهریورماه ۱۳۵۱



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

گردآوری نسخه (pdf): حمیدرضا میرزایانی ۱۳۹۷/۷/۵

یشت چیست ؟

« یشت » از ریشه واژه « یز » (yaz) به معنی نیایش گزاردن و فدیہ دادن (که در آغاز آن را در آتش می سوزانند) می باشد. شادروان استاد پورداود می نویسد :

« کلمه یشت در اوستا یشتی (yastī) آمده و از ماده کلمه یسنا (yasna) است و در معنی هم با آن یکی است، یعنی ستایش و نیایش و پرستش و فدیہ . یستن در پهلوی به معنی ستودن و عبادت کردن و فدیہ آوردن است . . . فرقی که در میان مفهوم یسنا و یشت می توان قرار داد این است که اولی به معنی ستایش و نیایش است به طور عموم ، دومی به معنی ستایش پروردگار و نیایش امشا سپندان و ایزدان است بالخصوص »

(یشتها . جلد یکم ، صفحه مکرر ۰ - ۱)

دیگران هم کما بیش همین را می گویند و یکی از تازه ترین پژوهندگان کیش زرتشتی پروفیسور زئر می نویسد :

« جدایی یشت از یسن در این است که بیشتر یسنها نیایشهایی يك نواخت در ستایش همه هستیان مینویی می باشند ، اما یشتها که برخی چکامه های بسیار دراز هستند ، هر کدام در ستایش ایزدی ویژه می باشند . »^۱

بیشتر این دانشمندان ، بویژه ترجمان مهر یشت پروفیسور الیا گرشویچ ، می گویند هر یشت ، هر چند درازای آن ، يك چکامه و از يك چکامه سرا است که از داستانهای نو و کهن زمان خود بهره برداشته ، سرودی بس شیوا و روان سروده است . ناگفته نماند که ایرانشناس نامور آرتور کریستن سن برخی از یشتها را دارای چند چکامه می داند که طی سالهای سال ، بلکه سده ها ، بر زبانها بوده و روی هم انباشته شده ، به سانی که می یابیم ، در آمده اند ، اما گرشویچ گفته کریستن سن را نپذیرفته است و دانشمندان امروزین باختر زمین هم با او هماوا گردیده اند .

من در پژوهشهایی که از یکایک یشتها کرده ام ، به این نتیجه رسیده ام که گفته کریستن سن را باید راست دانست . افسوس است که در پاکستان به نوشته های کریستن سن دسترسی نداشته ام و دلیلهای وی را نمی دانم و آنچه دیده ام در پیشگفتار کتاب الیا گرشویچ به

1 - The Dawn & Twilight of Zoroastrianism,
R. C. Zaehner, Pa 80

نام « *The Avestan Hymn to Mithra* » بوده است. من هم جداگانه به این نتیجه رسیده‌ام که دربشتی از دو یا بیشتر چکامه ساخته شده است و اینهم دلیلهایی که می‌دارم :

۱ - از سنت آریایی آغاز می‌کنیم. یکی از کهنترین نوشته‌های آریاها رگ وید است که برده بخش می‌باشد. هر بخش چکامه‌های بسیاری در ستایش خدایان می‌دارد. اما چکامه‌های ویژه یک خدا را که یک چکامه سرا یا چکامه سرایان یک خاندان سروده‌اند، در یک رده چیده‌اند. چکامه‌ها در ستایش آتش در یک رده، چکامه‌ها در ستایش اندر در رده دیگر، چکامه‌ها در ستایش ورون در رده دیگر و همچنان. چکامه‌ها بیشتر پنج، نه، ده، دوازده، پانزده و بیست بندی و جز آن می‌باشند و چون در ستایش یک خدا هستند، چه بسا که در زمینه‌هایی همانند می‌باشند و با هم جور می‌آیند و به آسانی می‌توان چندین چکامه را با هم وابست و یک یشت صد و اند بندی در ستایش یک خدا پدید آورد. اگرچنین کاری سده‌ها پیش شده بود، اکنون ما بی‌چون و چرا آن را می‌پذیرفتیم.

۲ - این کار را می‌توان به طور مثال با غزل‌های حافظ کرد. غزل‌های هم قافیه و هم موضوع را با هم بچسبانیم و بگذاریم برای سده‌های پس از امروز، برای روزی که فارسی حافظ هم همانقدر فهمیده شود که ما اوستا را می‌فهمیم و ببینیم که دانشمندان آن زمان درباره‌ی درازسرایایی حافظ چها که نمی‌نویسند.

۳ - در اوستا نیایشهایی داریم به نام خورشید نیایش و ماه

نیایش و جزان که زمانی باور داشتم که اینها کوتاه شده یشت‌های دنباله‌دار هستند . اما اکنون می‌گویم که اینها دلیل بر آن چکامه‌هایی هستند که چون زبانزد مردم بودند ، با وجود گردآوری و یشت‌سازی خود را همچنان جدا نگاه داشته‌اند .

۴ - مردم هرگز چکامه‌های دراز را دوست نمی‌دارند و می‌خواهند هر چکامه‌ای کوتاه و چند بندی باشد تا بتوان آن را به آسانی از بر کرد و سرود . آوازه دو بیتی و غزل از همین روی است .

۵ - اما اکنون می‌پردازیم به خود یشتها . نخستین چیزی که به چشم می‌خورد این است که هر یشت دارای چند کرده یا فصل است که پس از هر چند بند ، بلکه مانند چکامه‌های رگ وید پس از هر ده دوازده بند ، می‌آیند و چه بسا مطلب و موضوع را عوض می‌کنند . وانگهی در پایان هر کرده ، بجز چند یشت ، بندهای تکراری « ایه ریه » و « ینگه‌ها تام » می‌آیند و کرده‌ها را از هم جدا می‌سازند .

۶ - بیاییم به چند یشت نگاه کنیم و ببینیم که آیا هر یشت يك چکامه است که دارای يك موضوع و يك اندیشه است یا نه و چندین موضوع است و چندین چکامه :

از آغاز یشتها آغاز می‌کنیم و در شمارش آنها از گلدنر پیروی می‌کنیم و گرنه من در پژوهشهای خود شماره‌های رایج یشتها را از میان برداشته ، آنها را بر سه بخش کرده‌ام : بخش رزمی ،

بخش داستانی و بخش مراسمی . که هر بخشی ویژگی‌هایی از خود دارد. اما در اینجا جایی برای در میان گذاشتن این موضوع را نداریم :

هرمزد یشت : از بند ۱ تا ۱۱ ، هر مزد ۲۱ نام از خود می‌برد که اگر کسی آنها را یاد کند و ورد خواند گزندی نخواهد دید .

باز از بند ۱۲ تا ۲۰ ، سی و چهار نام دیگری از خود می‌برد که اگر کسی در شب و روز ، هر هنگامی که باشد ، آنها را بخواند هر آینه گزندی نبیند . سپس بندی از گاتها (۴۴ - ۱۶) گنجانده شده که نه هیچ بستگی به نامها دارد و نه هم به موضوع بعدی . از بند ۲۱ تا ۲۳ ، به فرکیانی و آریاویج و جز آن درود فرستاده شده ، و سپس نیایشهایی مانند بتا اهو و اشم و هو ستوده و سروده شده‌اند . بند ۲۴ به زرتشت می‌گوید که نگذارد که نیکان آزار ببینند .

از بند ۲۵ تا ۲۷ ، به سراغ امشاسپندان ششگانه می‌رود و از بند ۲۸ تا ۳۲ ، باز به ستایش این و آن می‌پردازد . آیا می‌شود این را يك چكامه شمرد ؟

اردیبهشت یشت : از بند ۱ تا ۴ ، اردیبهشت ستوده می‌شود و از وی یاری خواسته می‌شود اما از بند ۵ تا ۱۷ ، آن دعای اثیرمن اشی است که جادوان ، پریان ، دیوان ، اژدها نژادان ، گرگ-نژادان ، پتیاره‌ها ، بیماریها ، آسیبها ، آزارها و گزندها را می‌گریزند و می‌زداید . در بند ۱۸ باز به یاد اردیبهشت می‌افتد و او را می‌ستاید و با هوم آمیخته به شیر و با برسم ، نماز می‌گزارد .

آبان یشت : در بند ۱ و ۲ ، هرمزد به زرتشت می‌فرماید که

به اردویسور ناهید نیایش بگزارد زیرا او جان و گله و گیتی و زر و کشور افزا است و درمان می بخشد و تخمه مردان و زهدان زنان را پاك می کند . از بند ۳ تا ۶ ، ناهید رودی است بس بزرگ که هرمزد آن را برای آبادانی جهان پدید آورده است . از بند ۷ ، ناهید دختری است زیبا و آراسته و نیرومند که به کسانی که به وی نماز می گزارند و مراسم هوم را انجام می دهند ، یاری می کند . با بند ۹ در ستایش ناهید ، کرده نخست پایان می یابد . از کرده ۲ و بند ۱۱ ، ناهید بر گردونه چهاراسه سوار می شود و پكایك شاهان و پهلوانان نامور پیش می آیند هر يك به نوبت خود و برای خود ، این پیروزی و آن کامیابی را می خواهند و هوم و شیر و اسب و گاو و گوسفند فدیة می برند و او هم تا بند ۸۳ با پایان کرده ۲۰ ، به یاریشان می شتابد . این شد يك مضمون دلچسبی . اما در کرده ۲۱ و از بند ۸۴ ، زرتشت از ناهید می پرسد که وی را چگونه نماز گزارد و فدیة آورد . او هم برایش تعریف می کند که چنین بکن و چنان مکن و این کرده و موضوع با بند ۹۴ پایان می یابد . در کرده ۲۲ که دارای سه بند ۹۷ تا ۹۹ است ، شاه گشتاسب و خاندانش و درباریانش از نماز گزاردن به ناهید به ثروت می رسند . در کرده ۲۳ و بند ۱۰۰ تا ۱۰۲ ، ناهید را باز رودی بزرگ می یابیم که دارای هزار دریاچه و هزار رود است که هر يك از آنها به بزرگی چهل روز راه مرد سوار تندرو می باشد ، و در کنار هر دریاچه خانه ای هزار ستونی و صد دریاچه ای برپاست . باز از کرده ۲۴ تا ۱۰۳ ، درخواستها و

فدیه‌ها آغاز می‌شوند و این بار سر آغاز زرتشت است و سرانجام برادر ارجاسب تورانی که این یکی به کام خود نمی‌رسد و صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی شده را هم بیهوده از دست می‌دهد. در کرده ۲۸ که باز سه بند دربر دارد، ناهید رودی است که از کوه و کمر می‌گذرد. در کرده ۲۹ باز از مردم می‌خواهد که به وی نماز بگزارند، و هوم آمیخته به شیر فدیة دهند. در کرده ۳۰ و از بند ۱۲۶ تا ۱۲۹، ناهید دختر جوان و زیبا و خوش‌پوشی است. از بند ۱۳۰ تا ۱۳۳ که پایان یشت است، ناهید ستوده شده است. آیا این همه گفته‌های رنگارنگ، يك چکامه دراز ۱۳۳ بندی است یا چندین چکامه شیرین و دلنشین با يك داستان پهلوانی در دو قسط؟

تیر یشت : از کرده ۱ و بند ۱ تا کرده ۷ و بند ۳۵، تیر ستاره باران زایی است که مردم چشم به راهش دوخته‌اند تا بیاید و خشکسالی را از میان بردارد. او هم این کار را، پس از جنگ با اپوش دیو خشکسالی، انجام می‌دهد و داستان هم پایان می‌یابد. از کرده هشتم و بند ۳۶، باز مردم و جانوران چشم به راهش می‌دوزند و او می‌آید و پری خشکسالی را شکست می‌دهد و آبها را سرازیر کرده، روان می‌سازد و این داستان با کرده ۱۳ و بند ۴۴ پایان می‌یابد. باز در کرده ۱۴ و بندهای ۴۵ تا ۴۷، تیر به پیکراسب سفید به یاری مردم می‌شتابد و آبها را روان می‌گرداند و در کرده ۱۵ و بند ۴۸، او است که همه جانوران روی زمین و زیر زمین و در هوا و در

آب را زندگی می‌بخشد . در کرده ۱۶ و از بند ۴۹ ، باز با پری خشکسالی گلاویز می‌شود و او را به زنجیر می‌کشد . از بند ۵۶ ، هرمزد به زرتشت می‌گوید که مردم باید به تیر نماز گزارند و فدیۀ گوسفند بریان برند، تا او آنان را از گزند دشمن و راهزن و سیل نگاه دارد .

مهر یشت: این یکی از درازترین یشتهاست و پر از موضوعهای گوناگون . اگر یکایک را بشماریم ، سخن به درازا خواهد کشید . پس به ده کرده نخست بس می‌کنیم . در کرده یک چند نکته آمده است . هرمزد مهر را مانند خود پرستیدنی آفریده . به زرتشت می‌گوید که هرگز پیمان خود را ، و گر با دروغکار هم باشد ، نشکند . مهر و آتش و فروهران به پیمانداران زندگانی خوب می‌بخشند . مردم مهر را می‌پرستند تا او به آنان یاری کند . در کرده ۲ از بند ۷ تا ۱۰ ، سران کشورهای جنگ آزما در پرستیدن مهر هزار گوش و هزار چشم و خوش بالا و همه بیدار سبقت می‌جویند تا از جنگ پیروز برآیند ، زیرا مهر به آن کس یاری می‌کند که در نماز پیشگام باشد ؛ و اگر کسی در این باره اندکی درنگ کند ، سرکوب می‌شود . در کرده ۴ و بند ۱۲ تا ۱۶ ، مهر پیش از خورشید بر می‌آید و کشورهای آریایی را بازرسی می‌کند و پیروزی و روزی می‌بخشد . در کرده‌های ۵ تا ۷ و بندهای ۱۷ تا ۲۷ ، مهر همه پیمان شکنان را درهم می‌کوبد . در کرده ۸ و بند ۲۸ ، مهر دارای کاخ بس بزرگی است و از بند ۲۹ تا ۳۴ ، او است که جنگ و آشتی را

تراز نگاه می‌دارد و نمازیان خود را آباد می‌سازد. باز از کرده ۹ و بند ۳۵، کمر به سرکوبی و تباهی دروغکاران می‌بندد و هزاران هزار بلکه مردم بی‌پناه بیشمار را به خاک و خون می‌کشد. در کرده ۱۰ و از بند ۴۴، مهر جهان را زیر نگاه خود می‌دارد و به ویژه پیمان شکنان را زود باز می‌شناسد. این بود هفت موضوع یا بهتر بگوییم هفت چکامه در ده کرده نخست. مهر یشت ۳۵ کرده دارد و ۱۴۶ بند.

فروردین یشت: از کرده ۱ و بند ۱ تا کرده ۴ و بند ۳۰، جهان و هرچه در آن است از فروغ فروهران است و آنان هم یار هرمزد پروردگار هستند و هم یاور جهانیان نیکوکار. از کرده ۵ و بند ۳۱ تا کرده ۱۲ و بند ۴۸ فروهران هم مهروار به جنگ بدان می‌روند. البته در اینجا هم بد کسی است که پیش از آغاز جنگ در نماز گزاردن اندکی درنگ کند. در این گیر و دار، گاهی بندی این را هم یاد آور می‌شود که آن از فروغ فروهران است که باران می‌بارد و گیاه می‌روید و چارپایان می‌چرند و مردم آریایی می‌آسایند. در کرده‌های ۱۳ تا ۲۰ نیز همین گفته بازبانی دیگر بازگو می‌شود. اما در کرده ۲۳، فروهر هرمزد و فروهران امشاسپندان و ایزدان ستوده شده‌اند و از کرده ۲۴ و بند ۸۶ فهرست دراز نامهای نیکان و پیروان زرتشت، هم مردان و هم زنان، آورده می‌شود و یکایک آنان را می‌ستاید. آغاز از کیومرث است و فروهر دوم از آن زرتشت است که نام وی با آب و تاب برده می‌شود و سپس نامهای

دیگران باد و ستوده می‌شوند .

در پایان نگاهی به زامیاد یشت داستانی می‌کنیم . از بند ۱ تا ۸ ، فهرستی از کوههای کشورهای آریایی است که هیچ بستگی به داستان ندارد ، پس پیوند ناجوری می‌نماید . از کرده ۱ تا ۳ یا بند ۹ تا ۲۴ ، ستایش فرکیانی است و پس از آن داستان آغاز می‌گردد که چگونه فرکیانی از يك کس به کس دیگر ، هوشنگ ، تهمورس ، جمشید و گرشاسب می‌رسد . ازدهاک هم می‌کوشد که آن را به دست بیاورد ولی ناکام می‌ماند . سپنتامینو و انگره مینو هم به دنبال فر می‌افتند ، اما آن در دریا می‌جهد و اہم‌نپات ، زاده آب و یکی از ایزدان که طبعاً به آب آشناتر بود ، آن را در می‌یابد . سپس افراسیاب به دنبال آن در آب شنا می‌کند و چون نمی‌رسد دشنامهایی می‌دهد . به هر سان او هم مانند ازدهاک مزه ناکامی را می‌چشد . این گیرودار با پایان کرده ۸ و بند ۶۴ پایان می‌یابد . کرده نهم و بژة کشور آریایی گرداگرد رود هلمند است . از کرده ۱۰ و بند ۷۰ ، باز فر به دست کیخسرو و زرتشت و گشتاسب می‌آید و ناکامی افراسیاب بازگو می‌شود و سپس از ۹۳ تا ۹۶ که پایان یشت است ، از یکی از سوشیانسها سخن می‌رود که آمده و دروغ را بر انداخته ، جهان را آباد خواهد گردانید .

پس از نمونه‌های بالا پر روشن است که در هر یشتی ، در بیش از يك زمینه چنان سخن رفته است که هر يك زمینه را به آسانی می‌توان از آن برداشت و چکامه کوتاه و نغزی ساخت و مضمونهای

دیگر را هم بر هم نزد .

این است که می‌گوییم که یشت گردآمده‌ای از دو یا چندین چکامه در باره ایزدی ویژه است و فرق میان یشت و یسن این است که این یکی مجموعه‌ای از چکامه‌هاست درستایش از ایزدان ، و آن یکی نیایشی است ساده و کوتاه درستایش خدای بزرگ و آنچه او آفریده و بر مردم ارزانی داشته است .

اما در باره این که در یشت چند چکامه همزمان و همزمان هستند و کدام يك در زمان و زبان از دیگری جدا می‌نماید، چیزی نمی‌توانم بگویم، زیرا در این زمینه پژوهش‌هایم هنوز به نتیجه نرسیده است .
